

Original Paper **An Investigation Study of Mystical
Allegories in Nahj al-Balaghah & Tazkerat
al-Awliya**

Tahereh Moradzadeh Moghaddam¹ , Seyed Mahmoud Reza Gheibi^{*2} ,
Ayyub Kushan³ , Jhila Serati⁴ 

Abstract

One of the most famous and authoritative sources of Islamic knowledge is the valuable collection of Nahj al-Balaghah, which contains gem-like and profound thoughts of Molay-e-Mottaqiyān Imam Ali (PBUH) on various topics. In Tazkerat al-Awliya by Attar, there are biographies of 97 mystics, discussing their opinions on various issues. In the present study, after a case study of several mystical issues in Nahj al-Balaghah and Tazkerat al-Awliya, and their comparison with Qur'an, hadith and the views of Islamic thinkers, the most important theoretical and practical harms of mystics were found to be depression, seclusion, avoidance of work and effort, targeting asceticism instead of using it as a tool, extremism of mystics, denial of reason and liberty by some of the mystics, apostasy in words of some ascetics, encouraging celibacy, and etc, that were been avoided in Nahj al-Balaghah because of logical and social views of Imam Ali in his lectures, letters and special sentences.

Keywords: Nahj al-Balaghah, Tazkerat al-Awliya, Quran, mystical literature, allegory.

1-PhD student of Persian language and Literature, Shabestar Branch, Islamic Azad University, Shabestar, Iran. taherehmoradzadeh3@gmail.com.

2- Assistant professor of Persian language and Literature, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran. ma_gheibi@yahoo.com.

3-Assistant professor of Persian language and Literature, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. Kooshan@iaut.ac.ir.

4-Assistant professor of Persian language and Literature, Shabestar Branch, Islamic Azad University, Shabestar, Iran. Zh.serati@iaushab.ac.iro.

Please cite this article as (APA): Moradzadeh moghaddam, T., Gheibi, S. M. R., Kushan, A., & Serati, J. (2022). The Analysis of Allegories of Mystical Thoughts in Nahjal- Balaghah and Attar Neyshabouri's Tazkirat al-Awliya. *Journal of Pedagogic and Lyric in Persian Language and Literature Studies Quarterly*, 14(53), 94-111.



Creative Commons: CC BY-SA 4.0



DOR: 20.1001.1.2717431.1401.14.53.5.5

Publisher: Islamic Azad University Bushehr Branch / No. 53 / Autumn 2022

Received: 03 May 2022

Received in revised form: 31 May 2022

Accepted: 10 August 2022

Published online: 20 December 2022

مقاله پژوهشی | بررسی تمثیلات عرفانی در نهج البلاغه و تذکره الاولیا»

طاهره مرادزاده مقدم^۱، سید محمود رضا غیبی^{۲*}، ایوب کوشان^۳، ژیلای صراطی^۴


چکیده

نهج البلاغه از منابع معتبر اسلامی است که گاه شکل تمثیلی به خود می‌گیرد. در تذکره‌الاولیا نیز شرح حال ۹۷ تن از عارفان ذکر شده است که ضمن بیان احوال هر کدام، عقاید عرفا پیرامون مسائل مختلف بیان می‌شود. ضرورت این تحقیق با توجه به گرایش عمومی به مسائل عرفانی و عدم اطلاع از جزئیات بعضی آداب و رسوم آن و افراط و تفریط‌های عرفا در امور زندگی، لازم است با بررسی علمی و منطقی این آثار و آسیب‌شناسی آنها، شناخت دقیق و بهتری به دست آورد. هدف از پژوهش حاضر، یافتن پاسخ به این سؤالات است که مباحث و موضوعات این دو کتاب تا چه حدی در شیوه تمثیلی به همدیگر نزدیک است؟ چه تفاوت‌هایی بین نهج البلاغه و تذکره‌الاولیا در کاربرد تمثیلات عرفانی وجود دارد؟ تفاوت‌های موجود در نهج البلاغه و تذکره‌الاولیا نتیجه چه نگرش‌هایی است؟ در این پژوهش پس از بررسی موردی چند تمثیل عرفانی در نهج البلاغه و تذکره‌الاولیا و تطبیق آن با قرآن و حدیث به روش کتابخانه‌ای و استناد به منابع با شیوه توصیفی تحلیلی، مهم‌ترین آسیب‌های نظری و عملی سخنان عرفا تحلیل شده است. تمثیل مار و شیر، تمثیل زندان و دوزخ، تمثیل کوچ و کشتی طوفان زده و جنگ و غیره از تمثیل‌های بررسی شده در نهج البلاغه و تذکره‌الاولیا است.

واژگان کلیدی: نهج البلاغه، تذکره‌الاولیا، قرآن، ادبیات عرفانی، تمثیل.

- ۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر، ایران. taherehmaradzadeh3@gmail.com
- ۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرند، ایران. ma-gheibi@yahoo.com
- ۳- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ایران. Kooshan@iaut.ac.ir
- ۴- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر، ایران. Zh.serati@iaushab.ac.ir

لطفاً به این مقاله استناد کنید: مرادزاده مقدم، طاهره، غیبی، سید محمود رضا، کوشان، ایوب، صراطی، ژیلای. (۱۴۰۱). بررسی تمثیلات عرفانی در نهج البلاغه و تذکره‌الاولیا عطّار. فصل‌نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی. ۱۴(۵۳)، ۹۴-۱۱۱.

	حق مؤلف © نویسندگان.	DOR: 20.1001.1.2717431.1401.14.53.5.5
ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر / شماره پنجاه و سوم / پاییز ۱۴۰۱ / از صفحه ۹۴-۱۱۱		
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۳	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۳/۱۰	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۹	تاریخ انتشار بر روی اینترنت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۵	

۱- مقدمه:

نهج البلاغه ترجمانی از تمثیلات قرآن و آموزه‌های نبوی است که تمثیلات آن در هر برهه تاریخی قابل استفاده است. تذکره الاولیا هم درباره سخنان و اندیشه‌های عارفان بزرگ است و بخش‌های مختلف آن سرگذشت صوفیان است. با هم‌سنجی مباحثی از این دو کتاب متوجه برخی تفاوت‌ها در دیدگاه‌ها و نگرش‌های قرآنی و عرفانی می‌شویم. حضرت علی (ع) در ترک دنیا و عدم دوستی با دنیا از تمثیل مار و شیر استفاده کرده‌اند که عطار هم راه ایشان را رفته‌اند. آن حضرت در گرسنگی و کم خوری، تمثیل زندان و دوزخ را به کار برده‌اند و عطار تمثیل اژدها را با اغراق استفاده کرده است. حضرت علی (ع) در پرهیز از توجه به غیر خدا تمثیل تمسک و دوستی به قرآن را به کار برده‌اند در حالی که عطار از تمثیل پرندگان نابینا بهره گرفته است. آن حضرت در استقبال از بلا تمثیل شهادت را گفته‌اند، در حالی که عطار از تمثیل اژدها و سفر بهره برده است. اما آنچه مهم است، تبیین تمثیل‌ها و بیان نکات و حیانی از نگاه امام امت است. با بررسی و تطبیق تمثیل‌های مختلف، مشخص می‌شود که هرچند عرفان «بیان هنری از دین» است و وادی عرفان اگرچه گمراهان زیادی را به سرمنزل مقصود رسانده است ولی عدم شناخت درست از آن هم افراد زیادی را از راه راست گمراه کرده است. به همین منظور لازم است تفاوت‌ها و مفاهیم و مباحث ویژه‌ای که در کلام وحی و اولیا وجود دارد با توجه بیشتری مورد بررسی و استفاده قرار گیرد.

۱-۱- بیان مسئله

تذکره الاولیا به عنوان یکی از منابع عرفانی است که علاوه بر زندگی، به اندیشه‌های عارفان هم پرداخته است. هرچند در ظاهر بسیاری از این سخنان جنبه عرفانی و هنری دارند ولی در زوایای پنهان و تمثیلی آن‌ها می‌توان آسیب‌های عرفانی، اخلاقی و اجتماعی فراوانی را ریشه‌یابی کرد. نهج البلاغه هم گاه به شیوه تمثیلی شامل مباحث عرفان نظری درباره مبدأ و معاد، آفرینش، وحی، جهان مجرد، عالم ملکوت و... می‌شود و هم عرفان عملی درباره اخلاق، فضایل نفسانی، تقوا، زهد، سیر و سلوک، نیایش و... را دربردارد. در این پژوهش تمثیلات مشترک عرفانی نهج البلاغه و تذکره الاولیا بررسی و وجه افتراق و اشتراک آنها واکاوی می‌شود.

۱-۲- هدف پژوهش

- استخراج تمثیلات مشترک عرفانی نهج البلاغه و تذکره الاولیا و تحلیل آنها.

- تحلیل شیوه استفاده حضرت علی (ع) و عطار از تمثیلات عرفانی.
- تبیین آسیب‌های نظری و عملی سخنان عرفا در به کار بردن تمثیلات عرفانی.

۳-۱ - سؤالات پژوهش

- مباحث و موضوعات این دو کتاب تا چه حدی در شیوه تمثیلی به همدیگر نزدیک است؟
- سخنان عرفا در این دو کتاب، چه اندازه با قرآن و احادیث نبوی همسویی دارند؟
- چه تفاوت‌هایی بین نهج‌البلاغه و تذکره الاولیا در استفاده از تمثیلات عرفانی وجود دارد؟
- تفاوت‌های موجود در نهج‌البلاغه و تذکره الاولیا نتیجه چه نگرش‌هایی است؟

۴-۱ - ضرورت پژوهش

با توجه به گرایش عمومی به مسائل عرفانی و عدم اطلاع از جزئیات بعضی سخنان و آداب و رسوم آن و افراط و تفریط‌های عرفا در بسیاری از امور زندگی، لازم است با بررسی علمی و منطقی این آثار و آسیب‌شناسی آن‌ها، شناخت دقیق و بهتری به دست آورد. لذا در این مقاله تمثیلات عرفانی نهج‌البلاغه با تمثیلات تذکره الاولیا برای تبیین بیشتر و همسنجی تطبیق داده می‌شود.

۵-۱ - پیشینه پژوهش

از تحقیقاتی که از لحاظ موضوعی با بحث مقاله حاضر، همسویی دارند، می‌توان به مواردی اشاره کرد: - رضوانی و غیبی (۱۳۹۶) در کتابی با عنوان «بررسی موضوعی تذکره الاولیای عطار» موضوعات مهم تذکره را استخراج کرده‌اند ولی به جنبه تمثیلی آن نپرداخته‌اند. داداشی‌حاجی (۱۳۹۳) در کتابی با عنوان «عرفان در نهج‌البلاغه» به بررسی موضوعات عرفانی در نهج‌البلاغه پرداخته ولی به تفاوت موضوعات عرفانی با کلام امام علی (ع) و همچنین جنبه تمثیلی آن نپرداخته است. رضایی (۱۳۸۹) در کتاب «عرفان قرآن و نهج‌البلاغه» ویژگی‌های عرفانی امام علی (ع) را استخراج کرده و ذکر کرده که آرا و نظرات فیلسوفان و عارفان در بعضی از حوزه‌ها و زمینه‌های کلامی و اعتقادی با قرآن و روایات تفاوت‌هایی دارد. نوریان (۱۳۹۰) به «تطبیق اصطلاحات عرفانی در نهج‌البلاغه و کشف‌المحجوب و رساله قشیریه و مصباح‌الهدایه» پرداخته است و تفاوت عرفان از نظر نهج‌البلاغه را با سه اثر مذکور بررسی کرده و به این نتیجه رسیده که عرفان از دید نهج‌البلاغه در جهت برآورده سازی نیازهای مادی و تعادل مطرح گردیده درحالی‌که در این سه اثر تأکید بر سرکوبی نیازهای مادی و دستیابی به جلوه‌های عرفانی بیان‌شده است که از این نظر پژوهش حاضر هم موید همین نکته است. مطهری‌خواه

(۱۳۷۸) در کتاب «مقامات عرفانی در نهج البلاغه» فقط به بررسی مسائل عرفانی موجود در نهج البلاغه پرداخته و مثلاً توبه و شرایط توبه، درجات توبه و موارد مربوط را کاملاً از نظر عرفا و کلام حضرت علی توضیح داده و در آخر هر کدام از مقامات داستانی ذکر کرده است. همان‌طور که مشخص است، در برخی موارد، موضوعات عرفانی در نهج البلاغه با این پژوهش هم‌پوشانی دارند. شایان ذکر است که در این مقاله برای اولین بار به صورت مستقل چند تمثیل عرفانی در نهج البلاغه و تذکره الاولیای عطار بررسی و با قرآن و حدیث و نظر اندیشمندان اسلامی تطبیق داده می‌شود.

۱-۶- شیوه تحقیق و روش گردآوری

روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی با تکیه بر منابع و مآخذ است. ابتدا نهج البلاغه و تذکره‌الاولیا مورد مطالعه قرار گرفت و نمونه‌های موجود از حیث به کارگیری تمثیلات عرفانی یادداشت‌برداری شد و پس از طبقه‌بندی، با مراجعه به منابع اطلاعاتی، به تحلیل و بررسی آن‌ها پرداخته شد.

۲- بررسی تطبیقی موضوعات عرفانی در نهج البلاغه و تذکره‌الاولیای عطار

۲-۱- ترک دنیا و عدم دوستی با دنیا (تمثیل مار و شیر): در نهج البلاغه در چند مورد به دوری از حب دنیا و دوری از وابستگی به دنیای حرام و همچنین بی‌ارزشی دنیا تأکید شده است ولی درباره ترک دنیا سخن گفته نشده اما در تذکره‌الاولیا در سراسر ذکرها عارفان به ترک دنیا تأکید شده است. حضرت علی (ع) در خطبه ۲۲۱ بعد از خواندن آیه الهیکم التکاثر، تمثیل مزرعه و زراعت را یاد می‌کند و بعد از اینکه عنوان می‌کند که شما امروز بر روی کاسه‌های سرگذشتگان راه می‌روید و بر روی جسدهایشان زراعت می‌کنید، سفارش می‌کند که از دنیا و تعلق بدان دست بردارید. «همانا من شما را از دنیای حرام می‌ترسانم، زیرا در کام شیرین و در دیده انسان سبز و رنگارنگ است...» (دشتی ۱۳۹۲، خطبه ۱۱۱: ۱۴۹). حضرت علی (ع) در این خطبه از تمثیل سراب استفاده می‌کند که از دوردست خوش می‌نماید و زیبا جلوه می‌کند و در لباس آرزو خود را نشان می‌دهد اما شادی آن دوام ندارد. ایشان از کلام وحی که زندگی را چون آبی می‌داند که گیاه را می‌رویاند و سپس آن گیاه خشک و با باد پراکنده می‌شود، بهره‌برده‌اند. آن حضرت در تمثیلی دیگر دنیا را به ماری خوش خط و خال تشبیه کرده و با استفاده از این تمثیل، صفات مار را با صفات دنیا، از جمله، پوست نرم و زهر کشنده داشتن که نشان از ظاهر زیبا و باطن مهلک است، مقایسه کرده است: «دنیای حرام چونان مار است، که

پوستی نرم و زهری کشنده دارد؛ پس از جاذبه‌های فریبنده آن روی‌گردان، زیرا زمان کوتاهی در آن خواهی ماند، ...» (همان، نامه ۶۸: ۴۳۳). در هیچکدام از خطبه‌ها و نامه‌های به ترک دنیا سفارش نشده بلکه در دنیا به جمع‌آوری توشه برای آخرت سفارش شده است.

تذکره الاولیا (تمثیل شیر درنده): در تذکره الاولیا برای کناره‌گیری از دنیا تمثیل شیر درنده آورده شده است و حتی این تمثیل را برای بر حذر بودن از مردمان نیز تعمیم داده است: «از دنیا روزه گیر و مرگ را عید ساز و از مردمان بگریز چنان‌که از شیر درنده گریزند.» (عطار، ۱۳۷۰: ذکر داود طایبی: ۲۶۶). در تذکره الاولیا جوینده جهان همیشه در ذلّ معصیت دانسته می‌شود و جوینده و حبّ دنیا مرگ دل‌انگاشته می‌شود.

پشتوانه‌های قرآنی و نظر محققان اسلامی

در بررسی صحت این تمثیل‌ها باید به منبع وحی رجوع کرد. آنچه مشخص است قرآن انسان‌ها را از رهبانیت برحذر می‌دارد و بر معاملات مناسب با مردمان فرامی‌خواند. «در قلوب آن‌ها پیروان عیسی، علاقه به رهبانیتی افکنندیم که آن را ابداع کرده بودند و ما آن را برای آن‌ها مقرر نداشته بودیم هدفشان جلب خشنودی خدا بود ولی حق آن را رعایت نکردند.» (حدید/ ۲۷). حضرت علی (ع) در نهج البلاغه مردم را به زهد ترعیب و از دنیاگریزی منع می‌کند. «مطالبی در نهج البلاغه مندرج است که ترغیب به زهد و دنیا‌گریزی و یاد مرگ می‌کند و معنای رهبانیت را که از امور وارداتی مسیحیت در اسلام است در اذهان تداعی می‌کند؛ درحالی‌که رهبانیت به معنای مسیحی در اسلام نهی شده است.» (نادم ۱۳۸۸: ۱۰۰)

۲-۲- گرسنگی و کم‌خوری در نهج البلاغه (تمثیل زندان و دوزخ)

آن حضرت در خطبه ۱۸۳ که در ستایش خدا، اهمیت قرآن، اندرز مردمان و سفارش به پرهیزگاری است با تمثیل زندان و غل و زنجیر که تداعی‌گر وحشت است، مردم را از دوزخی که سبب آن بی‌تقوایی و زیاده‌خواهی و شکم‌بارگی است، پرهیز می‌دهد: «پس چگونه می‌شود تحمل کرد که در میان دو طبقه آتش، در کنار سنگ‌های گداخته، همنشین شیطان باشید؟ آیا می‌دانید وقتی مالک دوزخ بر آتش غضب کند، شعله‌ها بر روی هم می‌غلتنند؟ چگونه خواهی بود آنگاه که طوق‌های آتش به گردن‌ها انداخته شود و غلّ و زنجیرهای آتشین به دست و گردن افتد، چنان‌که گوشت دست‌ها را بخورد؟ ... در آزادی خویش پیش از آن که درهای امید بسته شود بکوشید، در دل شب‌ها با شب

زنده‌داری و پرهیز از شکم‌بارگی، به اطاعت خدا برخیزید، با اموال خود انفاق کنید، از جسم خود بگیریید و بر جان خود بیفزایید.» (دشتی، خطب، ۱۸۳: ۶ - ۲۰۵) در جایی دیگر می‌فرماید: «این درد تو را بس که شب سیر بخوابی و در اطراف تو شکم‌هایی گرسنه باشند.» (همان، نامه ۴۵: ۳۹۵).

با تمثیل زندان و دوزخ مخاطبان به راحتی درک می‌کنند که نتیجه کار خطا، افتادن به زندان و کشیدن سختی است. به همین منظور حضرت علی (ع) برای آگاه سازی مردم از این تمثیل استفاده می‌کند تا مخاطب نتیجه کارهای دون را بداند و از خطا برحذر باشد.

گرسنگی و کم خوری در تذکره الاولیاء: (تمثیل اژدها)

عرفا معمولاً برای تداعی صفات نفس از تمثیل اژدها استفاده می‌کنند. در ذکر کم‌خوردن چنان از نفس اژدها صفت سخن می‌گوید که انگار انسانی است و همواره در کمینگاهی برای شکار نشسته است. «یحیی را به دعوتی بردند - او مردی بود که کم‌خوردی - چیزی نمی‌خورد. الحاح کردندش. گفت: یک درم تازیانه ریاضت از دست نهمیم که این هوای نفس ما در کمینگاه مکر خود نشسته است که اگر یک لحظه عنان به وی رها کنیم ما را در ورطه هلاک اندازد.» (عطار، ذکر یحیی بن معاذ: ۳۶۵). یا عطار در ذکر ابوالعباس قصاب و در مذمت پرخوری می‌گوید: «و اگر یک‌لقمه از طعام کم خورد، وی را بهتر از آنکه همه‌شب نماز کند.» (عطار نیشابوری ۱۳۷۰، ذکر ابوالعباس قصاب: ۶۴۲). عطار در ذکر ابوسلیمان دارایی سیر خوردن را زنگار دل می‌داند: «هر چیزی را زنگاری است و زنگار دل سیر خوردن است.» (همان، ابوسلیمان دارایی، ۲۷۸). نفس در نگاه عرفا اژدهای هفت سر است که هر قدر در جهت کسب رضایت آن برآیند، خواسته‌هایش بیشتر می‌شود. بنابراین از این تمثیل در مورد نفس زیاد بهره برده‌اند.

پشتوانه‌های قرآنی و نظر محققین اسلامی: برای فهم دیدگاه قرآن، لازم است به آیه ۳۱ سوره اعراف دقت کنیم. «خداوند ما را به نوعی اعتدال و میانه‌روی در آشامیدن سفارش نموده است؛ چنان‌که می‌فرماید: وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا، بخورید، بیاشامید ولی اسراف نکنید.» (سوره اعراف، آیه ۳۱). همچنان‌که مولای متقیان هم به این شیوه عمل می‌کرد. «پیشوای شما به دو لباس کهنه و فرسوده و از خوراکش به دو قرص نان اکتفا کرده است به زهد و ریاضت خویش به‌عنوان مقتدای مسلمین اشاره می‌کند؛ اما او هرگز توصیه نمی‌کند که یارانش نیز چنین کنند؛ چراکه می‌داند برای همه مقدور نیست.» (دشتی ۱۳۹۲، نامه ۴۵: ۳۹۵)

مهم‌ترین وجه افتراق سخنان در این تمثیل‌ها، افراط‌گرایی عرفا با توجه به تمثیل اژدها و اعتدال در قرآن و نهج‌البلاغه است.

۲-۳- طلب نکردن از غیر خدا، پرهیز از توجه به غیر خدا (تمثیل تمسک و دوستی به قرآن)

حضرت علی (ع) در دعوت به اطاعت از خدا و رسولان خدا، تمثیل دوستی باحق و دوستی قرآن را می‌آورد و معتقد است با آگاهی از دوستی قرآن تمام بیماری‌های انسان برطرف می‌شود: «کسی با داشتن قرآن نیازی ندارد و بدون قرآن بی‌نیاز نخواهد بود. پس درمان خود را از قرآن بخواهید و در سختی‌ها از قرآن یاری بطلبید که در قرآن درمان بزرگترین بیماری‌ها، یعنی کفر و نفاق و سرکشی و گمراهی است. پس به وسیله قرآن خواسته‌های خود را از خدا بخواهید و با دوستی قرآن به خدا روی آورید و به وسیله قرآن از خلق خدا چیزی نخواهید زیرا وسیله‌ای برای تقرب بندگان به خدا، بهتر از قرآن وجود ندارد.» (دشتی، خطبه ۱۷۶: ۱۹۱). در جایی دیگر می‌فرماید: «زیرا هرکس، کاری برای غیر خدا انجام دهد، خدا او را به همان غیر، واگذارد.» (دشتی ۱۳۹۲، خطبه، ۲۳: ۴۷). همچنانکه دوست شفیق در بدترین شرایط و بدترین لحظه‌ها همدم و کارگشای انسان است، این تمثیل هم با استفاده از صفات یک دوست واقعی، ویژگی‌های دوستی با قرآن را برمی‌شمارد.

تذکره الاولیا: (تمثیل پرندگان نابینا و حس غریزی)

عطار در میان حالات ذوالنون مصری چندین بحث می‌آورد که در آن بر اعتماد به خدا و پرهیز از غیر اشاره دارد: «یک روز مردی با او مناظره می‌کرد که روزی به سبب کسب است. او نذر کرد که من هیچ نخورم که در او سبب کسب مخلوقات بود. چند روز برآمد، هیچ نخورد. حق تعالی زنبوران را فرستاد که گرد او می‌پریدند و او را انگبین می‌دادند.» (عطار، ذکر ذوالنون، ۱۴۶). در جایی دیگر می‌نویسد: «ذوالنون گفت: از این کارها و سخن‌ها دردی عظیم به دلم فرو آمد. دانستم که هر که توکل بر خدای کند، خدای کار او را بسازد و رنج او ضایع نگذارد. پس در راه که می‌آمدم مرغی نابینا را دیدم، بر درختی نشسته - از درخت فرو آمد. من گفتم: این بیچاره علف و آب از کجا می‌خورد؟ به منقار زمین را بکاوید. دو سکره پدید آمد: یکی زرین، پرکنجد؛ و یکی سیمین، پر گلاب. آن مرغ سیر بخورد و بر درخت پرید، و سکرها ناپدید شد.» (همان، ۱۴۶). در جایی دیگر آورده است: -گفت: «بیمارزیدم تو را به آن سبب که از سفلگان هیچ نستی با همه احتیاج.» (عطار، ۱۳۷۰، ذکر ذوالنون مصری: ۱۴۷) نیز عطار در ذکر رابعه عدویه حکایتی را آورده است: نقل است که روزی خادمه رابعه پیه پیازی می‌کرد

که روزها بود که طعامی نخورده بود. به پیاز حاجت افتاد. خادمه گفت: «از همسایه بستانم». گفت: «چهل سال است تا با خدای عزّو جلّ - عهد کرده‌ام که از غیر او هیچ نخواهم. گو: پیاز مباح» در حال مرغی از هوا درآمد و پیازی چند پوست باز کرده در دیگ او انداخت.» (همان، ذکر رابعه عدویّه: ۷۷).

پشتوانه‌های قرآنی و نظر محققین اسلام

خداوند در آیاتی نصرت و دستگیری خود را چنین بیان می‌دارد: «اطاعت از خواست‌ها و هواها و هوس‌ها نباید کرد، از خدا باید اطاعت کرد.» (همان، آیه ۱۱۶). با بررسی قرآن و نهج‌البلاغه مشاهده می‌شود هر دو یک مفهوم را بیان کرده‌اند. در سخنان عرفا نیز دیده می‌شود که به نوعی از این منابع تأثیر پذیرفته‌اند؛ اما نکته‌ای که وجود دارد، افراط عرفا است به طوری که حتی برای یک پیاز هم درخواستی از غیر نمی‌کنند؛ درحالی‌که منظور قرآن و نهج‌البلاغه پرهیز از توکل به غیر خداست. عرفا در آوردن نقل‌ها و تمثیل‌ها هم به افراط و اغراق روی آورده‌اند.

۲-۴- استقبال از بلا (تمثیل شهادت)

حضرت علی (ع) برای تبیین موضوع استقامت در برابر بلاها، از تمثیل زندگی و مرگ و شهادت بهره می‌برد. آن حضرت در خطبه ۱۹۰ که در یاد مرگ و پایداری در بلاهاست، بعد از اینکه هشدار می‌دهد که مرگ و حشتناک ناگهانی سر می‌رسد، می‌فرماید: «در برابر بلاها و مشکلات استقامت کنید، شمشیرها و دست‌ها را در هوای زبان‌های خویش به کار مگیرید و شتاب نکنید در آنچه که خداوند شتاب در آن را لازم ندانسته، زیرا هر کس از شما در بستر خویش با شناخت خدا و پیامبر (ص) و اهل بیت پیامبر (ع) بمیرد، شهید از دنیا رفته و پاداش او بر خداست و ثواب اعمال نیکویی که قصد انجام آن را داشته خواهد برد.» (دشتی، خطبه، ۱۹۱: ۱ - ۲۲۰). در جایی دیگر با تشبیهی می‌فرماید: «و امواج بلا را با دعا از خود دور سازید.» (دشتی، ۱۳۹۲، حکمت ۱۴۶: ۴۷۱). حضرت علی (ع) از این تمثیل برای کسانی که گمان می‌کنند مرگ یعنی شهادت، یا از حضور در میدان جنگ هراس دارند، تمثیلی می‌آورد که هدف آن شناخت خدا و رسولان خداوند است. این تمثیل همه چیز را به عیان بیان می‌دارد.

تذکره الاولیا: (تمثیل ازدها و سفر)

عطار در تذکره‌الاولیا در تمثیلی بلا را همچون اژدها می‌داند و از این تمثیل برای تداعی بهره می‌برد: «نقلست که یک روز زار می‌گریست سوال کردند که سبب گریه چیست گفت: اگر بلائی او اژدهایی گردد اول کس من باشم که خود را لقمه او سازم و با این همه عمری گذاشتم در طلب بلا و هنوز با من می‌گویند که تو را چندان بندگی نیست که به بلائی ما ارزد.» (عطار، ذکر جنید، ۴۳۶). در بحثی دیگر که ذکر کشیدن بلائی دوست است با تمثیل سفر چنین می‌گوید: «جنید گفت: جوانی را دیدم در بادیه زیر درخت مغیلان گفتم چه نشانه است ترا، {جوان} گفت: حالی داشتم؛ اینجا کم شد ملازمت کرده‌ام تا بازایم. گفت: به حج رفتم چون بازگشتم همچنان نشسته بود گفتم سبب ملازمت چیست گفت: آنچه می‌جستم اینجا باز یافتم لاجرم این جا را ملازمت کردم جنید گفت: ندانم که کدام حال شریفتر از آن دو حال ملازمت کردن در طلب حال یا ملازمت دریافت حال.» (همان). گفت: «بلا چراغ عرفان است و بیدارکنندهٔ مریدان و هلاک‌کنندهٔ غافلان.» (عطار، ۱۳۷۰، ذکر جنید بغدادی: ۴۴۰). در این تمثیل، آنچه مهم است، درک نگرش به یک موضوع و آگاهی در رابطه با آن تذکر داده می‌شود.

پشتوانه‌های قرآنی و نظر محققین اسلامی

در قرآن و نهج‌البلاغه، بالارفتن عیار انسانیت به واسطه بلاها صورت می‌گیرد. به‌وسیله گرفتاری‌ها گناهان که ناخالصی‌های عیار انسانیت‌اند، پاک می‌شوند و گناه، امور ناچیزی، گناهان آدمی را می‌شویند. «يُرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَّكَّرُونَ» آیا نمی‌بینند که در هر سال مورد آزمایش واقع می‌شوند؟ ولی نه توبه می‌کنند و نه پند می‌گیرد.» (سوره توبه، آیه ۱۲۶).

در نهج‌البلاغه بعضی بلاها در واقع نوعی مجازات هستند و بعضی‌ها برای آزمایش انسان؛ ولی عرفا بلاها و رنج‌ها را باجان و دل پذیرا می‌شوند تا جائیکه در برخی داستان‌ها می‌بینیم به خودشان نیز آسیب وارد می‌کنند که هم از دیدگاه قرآنی و هم احادیث ائمه معصیت شمرده می‌شود. سختی کشیدن بی حد و حصر، نمونه‌ای از این افراط‌گرایی‌ها شمرده می‌شوند که گاهی باعث بدبینی و تبلیغ منفی علیه اسلام نیز می‌گردد که تنها راه نجات از آن، بصیرت و معرفت درست از دین است.

۲-۵- جبر و اختیار (تمثیل طلب بهشت و بشارت و تهدید)

حضرت علی (ع) در حکمتی که در پاسخ مرد شامی بیان داشته‌اند، به سوال او در باب قضا و قدر، با تمثیل طلب بهشت و بشارت و تهدید آخرت جواب می‌دهند: «شاید قضاء لازم و قدر حتمی را گمان کرده‌ای؟ اگر چنین بود، پاداش و کیفر، بشارت و تهدید الهی، بیهوده بود! خداوند سبحان! بندگان خود

را فرمان داد درحالی که اختیار دارند و نهی فرمود تا برسند ... با اکراه و اجبار اطاعت نمی‌شود و پیامبران را به شوخی نفرستاد و فرو فرستادن کُتب آسمانی برای بندگان بیهوده نبود.» (دشتی ۱۳۹۲، حکمت ۷۸ : ۴۴۵). در جایی دیگر می‌فرماید: «کارها چنان در سیطره تقدیر است که چاره‌اندیشی به مرگ می‌انجامد.» (همان، حکمت ۱۶: ۴۴۷). در جایی نیز قدر را به مکانی تاریک و دریایی ژرف تشبیه می‌کند. «قَدَرِ راهی است تاریک، آن را می‌پیمایید و دریایی است ژرف وارد آن نشوید و رازی است خدایی، خود را به زحمت نیندازید.» (همان، حکمت ۲۸۷: ۴۹۹). تمثیل بهشت برای جلب توجه و تمثیل مکان تاریک و دریای ژرف برای انداز است چرا که عواقب کار خطا با این تمثیلات تداعی می‌شود.

جبر و اختیار در تذکره الاولیا (تمثیل طلب بهشت و تمثیل بیماری)

عطار در تذکره‌الاولیا در ذکر جبر و اختیار از تمثیل طلب بهشت و جهنم استفاده می‌کند و در ذکر احوال جنید می‌نویسد: «شبلی گفت: اگر حق تعالی مرا در قیامت مخیر کند میان بهشت و دوزخ من دوزخ اختیار کنم از آنکه بهشت مراد منست و دوزخ مراد دوست هر که اختیار خود بر اختیار دوست گزیند نشان محبت نباشد جنید را از این سخن خبردادند گفت: شبلی کودکی می‌کند که اگر مرا مخیر کنند من اختیار نکنم گویم بنده را با اختیار چه کار هر جا که فرستی بروم و هر جا که بداری باشم مرا اختیار آن باشد که تو خواهی.» (عطار، در ذکر جنید، ۴۴۰). در جای دیگر از تمثیل تندرستی و بیماری استفاده می‌کند: «یکبار رنجور شد گفت: اللهم اشفنی، هاتفی آواز داد که ای جنید میان بنده و خدای چه کار داری تو در میان میای و بدانچه فرموده‌اند مشغول باش و بر آنچه مبتلا کرده‌اند صبر کن ترا با اختیار چه کار. نقلست که یکبار به عیادت درویشی رفت درویش می‌نالید گفت: از که می‌نالی درویش دم درکشید گفت: این صبر با که می‌کنی درویش فریاد برآورد و گفت: نه سامان نالیدن است و نه قوت صبر کردن.» (همان، ۴۴۱) در جایی دیگر می‌گوید و گفت: «اول مقام عبودیت برخاستن از اختیار است و بی زار شدن از حول و قوت خویش و گفت بزرگ‌ترین مقامات.» (همان، ذکر سهیل بن التستری: ۲۶۵)

پشتوانه‌های قرآنی و نظر محققین اسلامی

آیاتی چند در قرآن وجود دارد که نشان‌دهنده اختیار انسان‌هاست. «جبر و اختیار به دست خداست اما کار خداوند به‌گزار نیست؛ بلکه با حساب و قانون است. عزت و ذلت فقط به دست خداست.» (آل‌عمران، آیه ۲۶). «اختیار انسان در مشیت الهی (من یشاء و ما یشاء) بیشتر در قرآن بکار رفته همه‌چیز به مشیت خداست.» (التکویر، آیه ۲۹).

اگر چه سرنوشت انسان به دست خود اوست ولی این هم درست نیست که انسان اختیار خود را یگانه سبب و علت تامه حوادث بداند و هیچ‌یک از اجزا عالم و علل موجود در عالم را که در رأس همه آنها اراده الهی قرار دارد، در آن حادثه دخیل نداند «چون نتیجه‌بخش و سرنوشت‌ساز بودن عمل او، شرایط دیگری نیز دارد که هیچ‌یک از آنها در اختیار خود او نیست.» (شریعتی و انصافی، ۱۳۹۳: ۷-۲۹). این مباحث نشان می‌دهد که گرایش عرفا به جبر بیش از اختیار است و عرفا بیشتر راه اشاعره را در پیش گرفته‌اند.

یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف متون عرفانی و سخنان عرفا همین فهم نادرست از بحث جبر و اختیار است به‌طوری‌که این فهم نادرست، دو موضوع اساسی زندگی انسان، یعنی عقل و آزادی را به انزوا می‌کشاند. بها دادن به عقل و عزت‌نفس دو درگرا‌ن‌بها از وجود انسان هستند که برخی از صوفیه و عارف نمایان به دلیل جموداندیشی با آن مخالفت ورزیده و به خطا رفته‌اند. مطهری در این‌باره می‌گوید: «علی (ع) هرگز عقل را تحقیر نمی‌کند.» (مطهری ۱۳۸۳: ۱۷۰).

۲-۶- زهد و تقوی (تمثیل خواب و بیداری، بیماری و تندرستی)

حضرت علی (ع) برای زهد و تقوی تمثیل خواب و بیداری را بیان فرموده‌اند. ایشان بعد از اینکه به آیات قرآنی در این زمینه اشاره می‌کند: «زهد بین دو کلمه از قرآن است تا بر آنچه از گفتان رفت، تأسف نخورید و نسبت به آنچه به شما می‌رسد خوشحال و دلخوش نباشی...» (دشتی ۱۳۹۲، حکمت ۴۳۹: ۴۳۶)، در جایی تمثیلی می‌آورد تا این موضوع بیشتر روشن و ملموس شود: «ای انسان! چه چیز تو را بر گناه جرأت داده و در برابر پروردگارت مغرور ساخته؟ و بر نابودی خود علاقه‌مند کرده‌است؟ آیا بیماری تو را درمانی نیست و خواب‌زدگی تو بیداری ندارد؟ ... بیماری را می‌نگری که سخت ناتوان است، از روی دلسوزی بر او اشک می‌ریزی، اما چه چیز تو را بر بیماری خود بی تفاوت کرده و بر مصیبت‌های خود شکیبیا و از گریه بر حال خویشتن بازداشته است؟... چگونه ترس از فرود آمدن بلا، شب هنگام تو را بیدار نکرده‌است که در گناه غوطه‌ور و در پنجه قهر الهی مبتلا شده‌ای؟ پس سستی دل را با استقامت درمان کن و خواب‌زدگی چشمانت را با بیداری از میان بردار و اطاعت خدا

را بپذیر» (ر.ک: همان، خطبه ۲۲۳: ۲۷۵). امام علی (ع) در جایی هم به آسیب‌شناسی این موضوع پرداخته‌اند. «برخی دیگر با پستی و ذلت و فقدان امکانات از به دست آوردن قدرت محروم مانده‌اند. اینان خود را به زیور قناعت آراسته و لباس زاهدان را پوشیده‌اند و حال آنکه در باطن نه روز و نه شب اهل زهد و قناعت می‌باشند.» (همان، خطبه ۳۲: ۵۷). تمثیل خواب و بیماری هر دو نشان‌دهنده عدم توجه انسان به ماجرای زندگی خویش و تفکر در رابطه با آن است. آن حضرت تمام تلاش خود را می‌کند تا مردم با اندیشیدن در این تمثیل‌ها بتوانند راه خود را پیدا کنند.

تذکره الاولیا (تمثیل بیداری و آتش)

عطار در تذکره‌الاولیا به مسائلی اشاره کرده است که تمثیل بیداری و تقوای الهی است. عرفا در این وادی هم لغزش داشته‌اند، به گونه‌ای که حتی توجه به خود زهد را هم ناروا می‌دانستند «گفت: زهد، غفلت است زیرا که دنیا ناچیز است و زهد در ناچیز، غفلت بود؛ و پرسیدند از زهد گفت: زهد، آن بود که دنیا فراموش کنی و آخرت به یاد نیاری.» (عطار، ۱۳۷۰، ذکر شبلی: ۶۳۳) در باب تمثیل بیداری و زهد الهی نقل کرده است که: «به اول که مجاهده بر دست گرفت سالهای دراز شب نمک در چشم کشیدی تا در خواب نشود و گویند که هفت من نمک در چشم کرده بود و می‌گفت: که حق تعالی بر من اطلاع کرد و گفت: هر که بخسبد غافل بود غافل محجوب بود.» (همان، ۶۳۴). در چندین مورد به ذکر سوختن هر آنچه توجه را از خدا باز می‌دارد اشاره کرده «نقلست که وقتی او را دیدند پاره آتش بر کف نهاده می‌دوید گفتند تا کجا گفت: می‌دوم تا آتش در کعبه زخم تا خلق با خدای کعبه پردازند. و یک روز چوبی در دست داشت و هر دو سر آتش در گرفته گفتند چه خواهی کرد گفت: می‌روم تا به یک سر این دوزخ را بسوزم و به یک سر بهشت را تا خلق را پروای خدا پدید آید.» (ر.ک: همان). نمک در چشم سودن و آتش در دست داشتن خواب را از انسان می‌گیرد و تمرکز را بیشتر می‌کند. عرفا همیشه، اغراقی در نقل داستان‌های زهد و تقوا داشته‌اند.

پشتوانه‌های قرآنی و نظر محققین اسلامی

بررسی تطبیقی آرای عرفا با قرآن و احادیث نشان می‌دهد، در کلام بسیاری از عرفا زهد، هدف قرارگرفته درحالی که در تعلیمات اسلام ناب، زهد، وسیله است. همچنین عرفا در معنی زهد باز هم قدم در راه افراط گذاشته‌اند؛ درحالی که میانه‌روی در کلام مولا و قرآن توصیه شده است. گاهی اوقات

تمثیل‌های عرفا با تمثیل‌های قرآنی و وحیانی مطابقت دارد اما آن نتیجه‌ای که عرفا قصد رسیدن به آن را دارد، بزرگانگاران است.

۲-۷- یاد مرگ (تمثیل کوچ و کشتی طوفان زده و جنگ)

حضرت علی (ع) در نهج البلاغه، برای هشدار از غفلت و آگاه کردن مردم به موضوع مرگ از تمثیل کوچ و کشتی طوفان زده و جنگ استفاده می‌کند. «دنیا خانه‌ای ناپایدار و جایگاه سختی و مشکلات است. ساکنان دنیا در حال کوچ کردن، و اقامت گزیدنشان به جدایی محکومند. مردم را چونان کشتی طوفان زده در دل دریاها می‌لرزاند، برخی از آنان در دل آب مرده، و برخی دیگر بر روی امواج جان سالم به در برده، و باها با وزیدن، آنها را به این سو و آن سو می‌کشاند و هر جا که خواهد می‌برد. پس آن را که در آب می‌میرد نمی‌توان گرفت و آن که رها شده نیز به سوی مرگ می‌رود.» (دشتی، خطبه ۱۹۶: ۲۴۵). حضرت با بهره گرفتن از تمثیل کشتی طوفان زده و کوچ کردن می‌خواهد مردم را بر گذرا بودن دنیا به یاد آخرت و مرگ بیندازد. ایشان در چندین خطبه مردم را به ذکر مرگ که پایان لذت‌ها و بر جای ماندن تلخی‌هاست، دعوت کرده است. (همان، خطبه ۵۲۵: ۴۳۳؛ خطبه ۱۴۹: ۱۹۵). در خطبه‌ای مرگ را چون هم‌آوردی شکست‌ناپذیر و کینه‌توز می‌داند که نباید برای مقابله با آن مغرور بود. (ر.ک: همان، خطبه ۱۹۰: ۲۶۷) «... مرگ، دیدارکننده‌ای دوست‌ناشدنی، هم‌آوردی شکست‌ناپذیر و کینه‌توز است که بازخواست نمی‌شود...» (همان، خطبه ۲۳۰: ۳۳۳؛ همان، حکمت ۳۹۸: ۵۱۹). هیچ انسانی کوچ و جنگ و طوفان را دوست ندارد. همه این تمثیل‌ها یادآور وحشت و ترس و تنهایی و پایان زندگی است. به همین منظور حضرت علی (ع) خواسته است با این تمثیل‌ها، حالتی ملموس و محسوس را پیش چشم مردمان بیاورد؛ چرا که این کتاب که ترجمان قرآن است از آن قرآن ناطق، حضرت علی (ع) و از طرفی مرتبط با ام‌الکتاب است.

یاد مرگ در تذکره الاولیا (تمثیل معامله‌گری)

عطار در تذکره الاولیا در ضمن سخنان عارفان، انسان را به یادکرد مرگ فرامی‌خواند: «ابوعلی ثقفی، سخن می‌گفت. در میان سخن، عبدالله او را گفت: «مرگ را ساخته باش که از او چاره نیست.» (عطار نیشابوری ۱۳۷۰، ذکر عبدالله منازل: ۵۴۰) عطار با الهام از کلام قرآن، از تمثیل معامله‌گری استفاده می‌کند و مرگ را چون کالایی می‌داند که باید آن را در مقابل هر بهای گرانی خرید همچنانکه قرآن معتقد است که برخی هدایت را در ازای گمراهی فروختند. گفت: «اگر مرگ را در بازار فروختندی و بر طبق

نهادندی، سزاوار بودی اهل آخرت را که هیچشان آرزو نیامدی و نخریدندی جز مرگ.» (همان، ذکر یحیی بن معاذ: ۳۶۵). جالب است که تمثیل آن حضرت در باب مرگ، سختگیرانه‌تر و ملموس‌تر است اما آنچه که در ذکر عرفا آمده فقط ذکر یاد مرگ است.

پشتوانه‌های قرآنی و نظر محققان اسلامی

بسیاری از افراد مرگ را پایان زندگی می‌انگارند در حالی که با توجه به نص صریح قرآن و کلام امامان مرگ دنیایی بزرگ‌تر و بی‌پایان پیش روی انسان می‌گشاید فقط شنیده‌ها آن را برای ما قابل درک می‌کند. هرچند افرادی هم هستند که با چشم بصیرت و شهودی می‌توانند چنین دنیایی را درک کنند. این دنیا مزرعه آخرت است. مرگ باعث کمال مرتبه انسان است و آدمی تا نمرده ناقص و ناتمام است و انسان کامل همیشه طالب مردن است چنانچه حضرت امیرالمؤمنین، علیه‌السلام فرموده: قسم به خدا که انس پسر ابوطالب به مرگ بیشتر است از انس طفل به پستان مادر. «مرگ‌اندیشی عارفان حقیقی بیشتر معلول شوق و عشق آنان نسبت به لقای محبوب و معشوق است. عشق اینان به مرگ بیشتر و شدیدتر از عشق و علاقه یک نوزاد به سینه مادر خود است.» (شریفی ۱۳۸۹: ۱۳۵).

«نکته‌ای که در بررسی آرای عرفا و مولا وجود دارد، این است که یاد مرگ در زندگی عملی عرفا آن‌ها را به افسردگی و دوری از خلق و پرهیز از کار و تلاش سوق می‌دهد؛ درحالی که یاد مرگ در کلام و عمل مولا، نه تنها باعث گوشه‌گیری نمی‌شود، بلکه تلاش او را در زندگی هدفمند و معنادار می‌کند به طوری که در سرتاسر زندگی علی (ع) اثر این دیدگاه را می‌توان ملاحظه کرد.» (ناظم زاده قمی ۱۳۷۶: ۱۳۵).

نتیجه‌گیری

در این پژوهش پس از بررسی موردی چند موضوع تمثیلی - عرفانی در نهج البلاغه و تذکره الاولیا و تطبیق آن با قرآن و حدیث و نظر اندیشمندان اسلامی، نتایجی حاصل شد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند: - تمثیل‌های به کارگرفته شده نشانگر آن است که در کلام بسیاری از عرفا زهد، هدف قرارگرفته درحالی که در تعلیمات اسلام ناب، زهد، وسیله است. همچنین عرفا در معنی زهد بازهم قدم درراه افراط گذاشته‌اند؛ درحالی که میانه‌روی در کلام مولا که برگرفته از تمثیلات قرآنی است توصیه شده است.

- همسویی با مردم و زیستن مسالمت‌آمیز با مردمان و طی طریق انسانی به همراه استقامت در برابر بلاها، موضوعی است که از تمثیلات حضرت علی (ع) قابل استنباط است درحالی که رهبانیت، جبرگرایی و بلادوستی در سخنان عرفا توصیه می‌شود.

- گرایش به عرفان در زندگی عملی عرفا آن‌ها را به سوی افسردگی و دوری از خلق و پرهیز از کار و تلاش سوق می‌دهد؛ درحالی‌که یاد مرگ در کلام و عمل مولا، نه تنها باعث گوشه‌گیری نمی‌شود، بلکه زندگی و مرگ را تمثیل‌وار هدفمند و معنادار می‌کند.

- در کلام علی (ع) هرگز عقل انکار نمی‌شود و نه تنها کنار گذاشته نمی‌شود بلکه عاملی برای اندیشه و راه‌یابی با معشوق ازلی است. تمثیل‌ها هم از این نظر عقلانی‌اند؛ ولی در بسیاری از موارد، در سخنان عرفا دوری از عقل و جبرگرایی افراطی دیده می‌شود.

منابع و مأخذ

۱. قرآن مجید
۲. آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی. ۱۳۸۱. تصنیف غررالحکم ودررالکلم. ترجمه و تصنیف مصطفی درایتی. مشهد: ضریح آفتاب.
۳. الحر العاملی، محمد بن الحسن. ۱۴۱۴. وسائل الشیعه. ج ۲، قم: انتشارات آل بیت.
۴. انصاریان، علی. ۱۳۵۷. الدلیل علی موضوعات نهج البلاغه. نشر تهران.
۵. اوسط خانجانی، علی. ۱۳۸۱. گلگشتی در نهج البلاغه. ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی بوشهر و چالوس
۶. جرداق، جرج سمعان. ۱۳۷۶. صدای عدالت انسانی. ترجمه سید هادی خسروشاهی. ج ۳-۴، قم: نشر خرم.
۷. جعفری تبریزی، محمدتقی. ۱۳۹۲. تفسیر نهج البلاغه. ج ۱، موسسه تدوین و نشر آثار استاد.
۸. جمالی، نصرت‌الله. ۱۳۸۱. زن در نهج البلاغه. تهران: نشر مهدیه.
۹. خرماهی، بهاء‌الدین. ۱۳۷۴. ترجمه قرآن کریم. تهران: انتشارات دوستان.
۱۰. داداشی حاجی، مریم. ۱۳۹۳. عرفان در نهج البلاغه. تهران: انتشارات پارسینه.
۱۱. دشتی، محمد. ۱۳۹۲. ترجمه و شرح نهج البلاغه. تهران: انتشارات بنیاد نهج البلاغه.
۱۲. دلشاد تهرانی، مصطفی. ۱۳۸۵. تفسیر موضوعی نهج البلاغه. قم: دفتر نشر معارف.
۱۳. رضایی، عبدالله. ۱۳۸۹. عرفان قرآن و نهج البلاغه. قم: انتشارات قم.
۱۴. رضوانی مقدم، ربابه و غیبی، سید محمود رضا. ۱۳۹۶. بررسی موضوعی تذکره الاولیاء عطار. تبریز: انتشارات مرتضی دشت.
۱۵. سروش، عبدالکریم. ۱۳۷۶. اوصاف پارسایان. تهران: موسسه فرهنگی صراط.
۱۶. سعدی شیرازی، مصلح‌الدین. ۱۳۸۶. کلیات سعدی. تصحیح نظام‌الدین نوری. تهران: کتاب آبان.
۱۷. شریعتی، صدرالدین و انصافی مهربانی، سپیده. ۱۳۹۳. «نگاهی به جبر و اختیار در مکتب اسلام و دلالت‌های تربیتی آن» فصلنامه پژوهش‌نامه معارف قرآنی دانشگاه علامه طباطبایی. تابستان ۹۳. ش ۱۷، صص ۷-۲۹.

۱۸. شریفی، احمد حسین. ۱۳۸۹. عرفان حقیقی و عرفان‌های کاذب. تهران: انتشارات به آموز.
۱۹. عطار نیشابوری، فریدالدین. ۱۳۷۰. تذکره الاولیاء. تصحیح متن و توضیحات محمد استعلامی. تهران: انتشارات زوار.
۲۰. فیض الاسلام، علی‌نقی. ۱۳۷۹. ترجمه و شرح نهج البلاغه. تهران: انتشارات بنیاد نهج البلاغه.
۲۱. محمدی ری‌شهری، محمد. ۱۳۶۲. میزان الحکم. جلد ۱-، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۲۲. مطهری خواه، ذبیح. ۱۳۷۸. مقامات عرفانی در نهج البلاغه. قم: ناشر دارالغدیر.
۲۳. مطهری، مرتضی. ۱۳۸۸. انسان کامل. تهران: انتشارات صدرا.
۲۴. نادم، محمدحسن. ۱۳۸۸. نهج البلاغه: نقدها و پاسخ‌ها. قم: نشر ادیان و مذاهب.
۲۵. ناظم زاده قمی، سید اصغر. ۱۳۷۶. علی (ع) آینه عرفان. قم: ناشر بوستان
۲۶. نفیسی، سعید. ۱۳۹۳. زندگینامه عطار نیشابوری. ناشر اقبال.
۲۷. نوریان، فاطمه. ۱۳۹۰. «بررسی تطبیقی اصطلاحات عرفانی نهج البلاغه با کشف‌المحجوب». رساله قشیریه و مصباح الهدایه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور استان تهران.
۲۸. یاداشت‌ها: برای مشخص شدن نام عرفا در ارجاع دهی درون متنی، به نام عارفان و برای مشخص شدن جملات نهج البلاغه در ارجاعات درونی متنی به خطبه یا نامه بودن آنها اشاره شده است.

References:

1. *Qorāne Majid*
2. Amedi. Abdolvāhed ben mohammad tamimi (2002/1381SH). *Qoranolhekam ve dorarolkalem*, Tr. and song by Mostafā Derāyati. Mašhad: Zarihe Āftāb. (in persian)
3. Alhor Alāmeli. Mohammad ben Alhasan (1993/1414AH). *Vasāeloši'e*. Vol 2nd, Āle Beyt Pub. (in persian)
4. Ansāriyan. Ali. (1978/1357SH). *Aldalil Alā mozūāte Nahjolbalāqe*. Tehrān Pub. (in persian)
5. Parastgāri. Soheylā and Ma'refat, Lāle (2012/1391SH). *Ta'sirpaziriye Molavi Az Nahjolbalāqe (The Effects of Nahj al-Balagha on Molavi)*. Article, winter 2012. Vol 4th. Pp. 53-68. (in persian)
6. Pūrabiri. Ayyūb. (2012/1391SH). *Ta'sire Nahjolbalāqe Bar Šāhnameye*
7. Jardāq. George Samān. (1997/1376SH). *Sedāye Edālate Ens āni (The voice of human justice)*. Tr. by Seyyed Hādi Xosrowšahi. Vol 3rd-4th. Qom: Xorram Pub. (in persian)
8. Ja'fariye Tabrizi. Mohammad Taqi. (2013/1392SH). *Tafsire Nahj-al-balāqe (The Interpretation of Nahj al-Balagha)*. Vol 1st. Ostād Editing and Publication Institute. (in persian)
9. Jamāli. Nosratollāh. (1992/1381SH). *Zan Dar Nahj-al-balāqe (Woman in Nahj al-Balagha)*. Tehrān: Mahdiye Pub. (in persian)
10. Xorramšāhi. Bahāaddin. *Tarjomeye Qūrāne- Karim (Quran Translation)*. (1995/1374SH). Tehrān: Qom Pub. (in persian)
11. Rezvani Mogaddam. Robābe; Qeybi. Seyyed Mahmūd Reza. (2017/1396SH). *Barrasiye Mowzūiye Tazkeratol-oliyae Attār (Thematic Review of Attar's Tadhkirat al-Awliya)*. Tabriz: Morteżā Dašt. (in persian)
12. Sorūš. Abdolkarim. (1997/1376SH). *Owsāfe Pārsiyān*. Tehrān: Serāt
13. Cultural Institute. (in persian)
14. Sa'di Širāzi. Moslehoddin. (2007/1386SH). *Koliyyate Sa'di*
15. *Ed. By Nezamoddin Noori*. Tehrān: Ketābe Ābān. (in persian)

16. Šariati. Sadroddin and Ensāfi Mehrabāni. Sepide. (2014/1393SH). *Neg āhi Be Jabr Va Extiyar Dar Maktabe Eslam Va Delālathaye Tarbiyatiye Ān (A look at Determinism and Authority in the School of Islam and Its Educational Implications)*. Quarterly Journal of Quranic Knowledge. Summer 2014. No. 17. Pp. 7-29. (in persian)
17. Šarifi. Ahmad Hoseyn. Erfāne Hqiqi Va Erfānhaye K āzeb (True
18. *Mysticism and False Mysticism*). Tehrān: Behāmūz Pub. (in persian)
19. Attār Neyšābüri. Farideddin. (1991/1370SH). *Tazkerat al-awliya*. Ed. and Explained by Mohammad Este'lāmi. Tehrān: Zavār Pub. (in persian)
20. Feyzoleslām. Alinaqi. (2000/1379SH). Translation and Expression of *Nahj al-Balagha*. Tehrān: Bonyāde Nahj-al-balāqe Pub. (in persian)
21. Mohammadi Reyšahri. Mohammad. (1983/1362SH). Mizanol-Hekme. Vol. 1st. Qom: Maktab Al-E'lām Al-Eslāmi. (in persian)
22. MotahhariXāh. Zabih. (1999/1378SH). *Maqāmāte Erfāni Dar Nahj-al-balāqe (Mystical Levels in Nahj al-Balagha)*. Qom: Dār Al-qadur Pub. (in persian)
23. Motahhari. Morteza. (2009/1388SH). *Ensāne Kāmel (Perfect Human)*. Tehrān: Sadrā Pub. (in persian)
24. Nādem. Mohammadhoseyn. (2009/1388SH). *Nahj al-Balagha: Criticisms and Answers*. Adyān Pub. (in persian)
25. Nāzemzāde-ye Qomi. Seyyed Asqar. (1997/1376SH). *Ali Alayhesalām Āyneye Erfān (Ali Peace be upon him the Mirror of mysticism)*. Qom: Büstāne Ketābe Pub. (in persian)
26. Nafisi. Said. (2014/1993SH). Attar Neyshaboori Biography. Eqbāl Pub.
27. Nūriyan. Fāteme. (2011/1390SH). *Barrasiye Tatbiqiye Estelāhate Erfāniye Nahj-al-balāqe Bā Kašfolmahjüb, Resāleye Qaširiye va Mesbāholhadāya (Comparative study of mystical terms of Nahj al-Balagha with Kashfolmahjoub, Resala Qashiriyeh, and Mesbah Al-hadaya)*. MA Thesis. Tehrān: Payām-e nūr. (in persian)

